برخی توضیحات در مورد کتاب دو جلدی

گزیدهٔ مقالات در راستای گفتمان ملتگرایی و ملت

لینک دریافت کتاب

جلد اول – لطفاً این جا را فشار بدهید

جلد دوم- لطفاً این جا را فشار بدهید

به جای پیشگفتار

صحنه سیاسی افغانستان در پنج دههٔاخیر، میدان تبارز و تسلط گفتمان های ایدیولوژیک بود که نتایج و پیامدهای بسیار مخرب داشت. برای رهایی از تسلط تخریبی این گفتمان ها، ما نیاز به گفتمان ملی دیموکراتیک عاری از پیش فرضهای ایدیولوژیک در رابطه به مسایل بنیادی افغانستان داریم. در این راستا گفتمان ملت و ملتگرایی حایز اهمیت محوری است.

جلد اول «گفتمان ملت ،ملتگرایی و هویت در افغانستان» مجموعه یی است از مطالبی که در پاسخ به فراخوان سال ۲۰۰۶ آسمایی نوشته شده و حوالی همان زمان در آسمایی منتشر گردیده اند. در جلد دوم بیشتر مطالب حدود سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ نوشته شده اند. یک بخش این مطالب در نشرات دیگر منتشر گردیده و آسمایی نیز آن ها را در اختیار خواننده گانش قرار داده بود. متأسفانه به سبب مشکلاتی که برای برخی رسانه ها پیش آمده، نشرات آن ها دیگر برای علاقه مندان قابل دسترس نیستند. برای آن که زحمت نویسنده گان این نوشته ها به هدر نه رفته باشد، بخشی از آن نوشته ها نیز با استفاده از آرشیف آسمایی ، در جلد دوم منتشر شده اند. چند نوشتهٔتازه نیز در جلد دوم جا داده شده اند. متن سخنرانی یووال نوح هراری نیز به خاطر نکات بکری که در آن وجود دارد، به صورت استثنایی در پایان جلد دوم جا داده شده است .گرچه مقالات منتشره در هر دو جلد کتاب «گفتمان ملت ، ملتگرایی و هویت در افغانستان» ، آثار ارزنده اند و اما روشن است که این مجموعه نه در برگیرندهٔ همه آثاری میباشد که طی دو دههٔ اخیر نوشته و منتشر شده اند و نه هم این مجموعه خود بی کمی و کاستی است. و اما، در هر صورتی این مجموعه کار پژوهشگران و خواننده گان علاقه مند را برای دسترسی به شمار قابل توجهی از آثاری که روی مسایل «ملت، ملتگرایی و هویت در افغانستان» طی دو دههٔ اخیر نوشته و منتشر شده اند، تسهیل مینماید .

امیدوارم تا چاپ این اثر در روند کار صفحهٔ «گفتمان ملی دیموکراتیک» که تازه در فیسبوک به نشرات آغاز کرده است نیز تکانهٔ تازه و نیرومندی ایجاد کرده بتواند.

این که چرا ملتگرایی برای افغانستان امر دارای اهمیت حیاتی است و چرا مردم سالاری به خصوص در جهان کنونی و شرایط کنونی منطقه و جامعهٔافغانی برای عبور از پراگنده گی خطرناک به سوی انسجام ملی و ملتگرایی امر حایز اهمیت حیاتی است و این که چرا پروژهٔ دیموکراسی بدون ملتگرایی و دولت توانای ملی نه میتواند قوام بیابد، مسایلی اند که قرار است تا در کار بعدی «گفتمان ملی دیموکراتیک» به آن ها توجه شود. در این راستا بررسی عوامل و درس های شکست «پروژهٔ بن» نیز امر حایز اهمیت به شمار میرود .

این که چه گونه میتوان از وضعیت بحرانی کنونی به سوی ملتگرایی عبور کرد و این ملتگرایی باید دارای چه خصوصیاتی باشد، خود یک بحث دراز دامن و اما حایز اهمیت بنیادی است .

اگر عمر وفا کرد نتایج کار صفحهٔ «گفتمان ملی دیموکراتیک» ، در آینده به حیث جلد سوم «گفتمان ملت ، ملتگرایی و هویت در افغانستان» به خدمت علاقه مندان تقدیم خواهد شد. البته که نقدها روی مقالات منتشره در مجموعهٔحاضر نیز در جلد سوم منتشر خواهند شد.

حمید عبیدی

فهرست مندرجات جلد اول

حمید عبیدی:

-میخواهیم ملت شویم و یا جمع پراکنده باقی بمانیم؟!

-گفتمان های سازنده را جاگزین گفتمان انحرافی کنیم

دهقان زهما:

-تأملی چند بر مقولهٔ نژادباوری و نژادباوری فرهنگی

-نقد ایدیولوژی، واقعیت های اجتماعی، ساخته های اجتماعی

-نقدِ هویت جمعی

مسعود راحل: نهاد و آزادي

دکتور اکرم عثمان: برای ملت شدن چی باید بکنیم ؟

سید حمیدالله روغ: حوزهٔ تمدنی ما و سیر تاریخی «دولت» و «ملت»

احمد حسین مبلغ: افغانستان به عنوان ملت بالقوه

س.ح.روغ: در حمایت از مفکورهٔ«گفتارروشنفکری-شهروندی»

کاوه (شفق) آهنگ: بنی آدم اعضای یکدیگرند۱٦۹

میر عبدالواحد« سادات»: موجودیت افغانستان د رگرو وحدت مل

بیژنپور (آ.آبادی) : وحدت ملی یک توهم و هزارگمان گفت وگزار

خوشال روهي: په افغانستان کې د ملت جوړونې... لرلید

دستگیر روشنیالی: د ملت جوړولو بنیاد دیموکراسي ده

ک.ا. اعظم سیستانی: مقدمه یی بر چه گونه گی ظهور افغانستان معاصر

فهرست مندرجات جلد دوم

یعقوب ابراهیمی: هویت ملی و دو پاسخ به آن

خالد خسرو :

-دفاع از عدالت انسانی در برابر عدالت قومی

-کلیدهای خانه مشترک-۱(پاسخ به مجیب مهرداد)

-کلیدهای خانه مشترک-۲(پاسخ به مجیب مهرداد)

نبی ساقی : بنای برج خلیفه بر سطحِ آب خلیج

غرزی لایق :

چند و چونی بر ...گفتگو های " ملت سازی"

چند و چونی بر ...گفتگو های " ملت سازی"

چند و چونی بر ...گفتگو های " ملت سازی"

دوکتور عباس پویا: زمز نه بود شخصیت (های) ملی در افغانستان

دوکتور رنگین دادفر سپنتا:

-نژاد پرستی و گفتمان هویت ملی

" -گله های سراسر جهان متحد شوید!"

-ملت- دولت شهروندان -گفتمان ضد نژادگرایی

-تبارگرایی یک واقعیت است اما عدالت‌ستیز

-تقلیل هویت انسان به تبار حقارت خودکرده است

مسعود راحل: جامعهٔ انتزاعی و ملت شهروندی

حمید عبیدی:

-نام کشورها و بیماری ما

-افغانستان – افغان یا افغانستانی؟!

یووال نوح هراری: ملیگرایی در قرن۲۱(دلایل امید)

حمید عبیدی: عوامل مصیبت و راه رستگاری ملی

یادداشت:

مقالات جناب دوکتور سپنتا گرچه بار نخست در آسمایی منتشر نه شده بودند و اما به اجازهٔ خود ایشان در این مجموعه جا داده شده اند.

مقالات آقای خالد خسرو همزمان با ۸ صبح در آسمایی نیز منتشر شده بودند.

مقالهٔ ملیگرایی در قرن ۲۱ گرچه از یک نویسندهٔخارجی است و اما چون حاوی نکات دارای اهمیت زیاد میباشد در این مجموعه آورده شده است.

و یا « جمع پراگنده» باقی بانیم ؟

وسوسهٔ گرایش به قوم و قبیله ، «نژاد» ، زبان ، سمت و مذهب ، از دههٔ ۸۰ به این سو چنان گسترده گردید که در هیچ مرحله یی از گذشته مثالش را نه میتوان یافت . این وسوسه هنوز هم فروکش نه کرده است . جدال های لفظی در شمار زیادی از صفحات نشریه های مطبوع و انترنتی افغان ها به گونهٔ مستقیم و غیر مستقیم، نیز گواه این گرایش است.

دیدن طیف وسیع تنوع اتنیکی در افغانستان نیاز به ذره بین و دوربین نه دارد - این واقعیت را میتوان با چشم ساده هم دید . اگر تنوع زبانی ، دینی و مذهبی را هم بر آن بیفزاییم این طیف به مراتب گسترده تر میگردد.

افراطیونی که اکنون خود را نمایندهٔ این قوم یا آن قوم میدانند ، کار را به نثار اتهامات بی پایه و دشنام های زشت میرسانند.

در مورد نام افغان و افغانستان هم منازعات لفظی میان گروه های یاد شده در جریان است. حتّا ادعا هایی مطرح شده اند که گویا اگر نام افغانستان به خراسان و یا آریانا تغییر کند گویی ریشهٔ های مشکلات خواهند خشکید. مگر آیا اگر به جای افغان بگوییم افغانستانی و یا هم به جای افغانستان ، نام خراسان و یا آریانا را برگزینیم ، گرهی از مشکل ما باز خواهد شد؟!

نه میتوان گفت که در افغانستان مسایل قومی ، زبانی ، سمتی و مذهبی ، در مرحلهٔ پیش از بحران سه دههٔ اخیر همه حل شده بودند و هیچ مشکلی موجود نه بود ، ولی چنان هم نیست که بحران خونین سه دههٔ اخیر در اثر اختلافات قومی ، زبانی ، سمتی و مذهبی بروز کرده باشد.

میتوان گفت که اگر نهضت امانی سقوط نه میکرد و نیز رشد مسالمت آمیز اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی افغانستان در مسیری که قانون اساسی سال ۱۹٦٤ باز کرده بود، با کارد کودتاها قطع نه میشد ، روند تشکل ملت در معنای معاصر (ناسیون و یا دولت – ملت) نیز تا حدی در افغانستان قوام مییافت .

شما شاید با آن چی که گفته آمد در این یا آن جهت مؤافق نه باشید . و امّا، شاید با این گفته توافق داشته باشید که منازعات قومی ، قبیله یی، مذهبی، زبانی و سمتیی که شاهدش بوده ایم نه تنها هیچ گرهی از گره ها را باز نکردند و به نفع حتّا یکی از اقوام ، قبایل و یا گروه مذهبی و زبانیی تمام نشدند، بل تمام مردم افغانستان از آن ها صدمه های استخوانسوز دیدند .

- با این گذشته از لحاظ فکری ، فرهنگی و اخلاق چی گونه باید برخورد نمود و از آن چی عبرت هایی را باید آموخت ؟

- آیا باقی ماندن در حصار های قومی و قبیله یی به نفع مردم افغانستان بوده میتواند و یا رفتن در راه تشکل ملت – دولت معاصر ؟

- ملت را چی گونه باید تعریف کرد ، آیا روند تشکل ملت در همه کشورها همسان بوده است و ما برای ملت شدن کدام راه را باید بپیماییم؟

- در مرحلهٔ کنونی چی چانس ها و چالش ها در راه تشکل ملت- دولت در افغانستان وجود دارند ؟

ما این پرسش ها را با شماری از کارشناسان ، صاحب نظران و شخصیت های سرشناس، در میان نهاده و از آنان خواستیم تا در این مباحثه اشتراک بورزند. همچنان این فراخوان عام ، در صفحهٔ انترنتی آسمایی منتشر شد . اینک ما این بحث را با بخشی از مطالبی که به نشانی آسمایی رسیده اند آغاز میکنیم. شاید نیاز نه باشد تا بگوییم که مسؤولیت هر نوشته بر عهدهٔ نویسندهٔ آن است؛ زیرا مطالب منتشره طیف گسترده یی از نظرات را بازتاب میدهند و این نشان میدهد که ما آثار را از دیدگاه توافق یا عدم توافق با آن ها انتخاب نه کرده ایم . هدف ما از نشر تمام این طیف متنوع نظرات آن است تا بحث و گفت و شنود گسترده و سازنده یی را روی این مسألهٔ حایز اهمیت اساسی، سازماندهی کنیم .

ما بار دیگر کلیه هموطنان افغان را فرامیخوانیم تا در این بحث از طریق نوشتارهای شان و نیز نقد مطالب منتشره اشتراک بکنند .

روشن است که تنها با نوشتن چند و چندین و حتّا شمار زیادی از نوشتار ها – ولو نوشتارهای علمی بی شایبه و پر مغز – و به راه انداختن بحث های سازنده و ارایهٔ طرح های سنجیده شده ، نه میتوان مسایل موجود را یک سره حل کرد. این چنین مباحثات سازنده تنها میتوانند زمینه ها و راه حل مسایل را تا حدی روشن بسازند .

روشن است که تشکل ملت- دولت معاصر روندی است چندین بعدی که بر زمینهٔ رشد متوازن سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، فکری و فرهنگی جامعه و کشور ما ممکن و میسر خواهد شد. این روند و این رشد ، در چند روز و چند سال ممکن و میسر شده نه میتواند .

به هر رو ، روشن است که راه به سوی آیندهٔ بهتر وطن و هموطنان ما ، از مسیر چسپیدن و دامن زدن به تعصبات و اختلافات و منازعات قومی، قبیله یی، مذهبی ، زبانی و سمتی -چنان که تجربه های تلخ ، خونین و جنایتبار گذشتهٔ نه چندان دور بار دیگر اثبات نمود – نه میگذرد .

گذشته ها را نه میتوان تغیر داد . از گذشته تنها میتوان آموخت . نادرست است اگر به خاطر گذشتهٔ تلخ و خونین ، به هر نام و عنوانی که باشد، امروز و آینده را فدا کرد. آینده در برابر ما قرار دارد و ما حق انتخاب این آینده را داریم. این انتخاب ما باید منطقی ، معقول ، ممکن و به نفع وطن و همهٔ هموطنان ما باشد.

+

نشر به صورت فراخوان آسمایی اپریل- سال ۲۰۰۶

حمید عبیدی

گفتمان های سازنده را جاگزین گفتمان انحرافی کنیم

چشم انداز های ملی را جاگزین چشم انداز های فرقه گرا بسازیم

در رابطه با تاریخ ، مسیر انکشاف و تحول زبان های افغانستان مناسبات میان آن ها منجمله در مورد زبان های رسمی کشور و جایگاه آن ها ، مناقشهٔ دامنه داری در رسانه های افغانی در جریان است. در حالی که مسایل مربوط به تاریخ، مسیر انکشاف و تحول زبان و روابط میان زبان ها ، اساساً مسایل اکادمیک اند و مباحثه در مورد آن ها هم باید در همان سطح صورت بپذیرند. کشانیدن این مسایل به میدان مناقشات سیاسی ، به روشن ساختن حقایق علمی و یافتن روش علمی حل آن ها نه تنها کومک نه میکند بل حقایق تاریخی و علمی قربانی اغراض سوو سیاسی میسازد.

تنوع زبانی و قومی و مذهبی در افغانستان یک میراث تاریخی و یک واقعیت موجود است. روشن است که در طول تاریخ میان این طیف تنوع روابط و رشته های علایق و پیوند های متعدد نیز رشد کرده اند. هرگونه تلاش برای پاره کردن این روابط، علایق و پیوند ها ، ضربه یی است بر پیکر تمام افغانستان که به ضرر تمام باشنده گان این سرزمین تمام خواهد شد. از سوی دیگر هم تجربهٔ کشور ما و هم تجارب ملل دیگر نشان میدهند که تلاش ها برای همسان سازی ها و ادغام های آمرانه و اجباری در جهان معاصر نه تنها- چنان که در گذشته ها نیز بوده است- فاجعه بار اند ، بل در مغایرت با ارزش ها و موازین جهانشمول معاصر قرار دارند.

ما در افغانستان سی زبان و دو صد لهجه داریم. در طی تاریخ بین این زبان ها و لهجه ها روابط متقابل فعال وجود داشته و بحث در تداخل این زبان ها نیز یک بحث اکادمیک است. در شرایط افغانستان خط اندازی در میان اقوام ساکن در افغانستان بر اساس نوع زبان ها غیر ممکن است. تاریخ معاصر افغانستان نیز نشان میدهد که کوشش ها برای تسلط یک زبان بر زبان های دیگر نه تنها ناکام مانده اند، بل نتایج و پیامد های ناگوار نیز در پی داشته اند.

تا جایی که به رابطه میان تأسیس ملت- دولت و زبان مربوط میشود ، این در تاریخ تأسیس ملت - دولت ها در اروپا مسألهٔ اساسی نه بوده است. ما در آغاز سدهٔ بیست و یکم هم در مرکز اروپا از ناسیونالیزم سویس سخن میگوییم که در آن عملاً چند زبان رسمیت دارند.

باید متوجه بود و باید گفت که در محراق قرار دادن منفعت های گروهی و چشم انداز های فرقه یی ، سبب شده تا منفعت همه گانی و چشم انداز ملی از نظر بیفتد. طوری که تجربهٔ گذشتهٔ نه چندان دور نیز به روشنی نشان داد ، نادیده انگاشتن منفعت همه گانی برای همهٔ طیف تنوع اتنیکی ، زبانی و مذهبی افغانستان چیزی جز فاجعه در پی نه دارد. همین تجربهٔ فاجعه بار نشان داد که کشورهای بیگانه و گروه های تحت حمایت شان چی گونه این مسایل را جهت تحقق اهداف خود ابزار سازی کردند. امروز چنان به نظر میرسد که تلاش ها برای استفادهٔ دوباره از این ابزارها باز به شدت به جریان افتاده اند .

در حالت کنونی گفتمان های اتنیکی ، زبانی و مذهبی در افغانستان بار دیگر توجه افغان ها و روشنفکران افغانستان را از تفکر و بحث پیرامون ماهیت بحران جاری و جستجوی راه های برون برآمدن از آن منحرف میسازند . دامن زدن به چنین مناقشاتی نه تنها هیچ گرهی از مشکلات افغانستان را باز نه میکند، بل میدان های جدید مخاصمت و ممانعت از آمدن صلح در افغانستان را باز کرده و زمینه های تقویت بنیادگرایی را در افغانستان مساعد میسازد.

در حالت حاضر وضعیت کشور ما به حالت کسی شبیه است که در چاه افتاده باشد. چنین کسی تمام توانش را روی این متمرکز میکند که چی گونه از چاه نجات یابد ؛ نه این که در بیابان برای رفع تشنه گی چه گونه و از کجا آب به دست بیاورد. به همین جهت لازمی است تا روشنفکران و همه عناصر و نیروهای آگاه و مسؤولیت پذیر در افغانستان توجهٔ خود را به مسایل حاد و اساسی کنونی و باز کردن چشم انداز ملی حل آن ها متمرکز ساخته و از پرداختن به مناقشاتی که حکم ریختن نمک و تیزاب بر پیکر خونین وطن و جامعهٔ ما را دارند پرهیز نمایند. حل این مسایل نه تنها از مسیر مناقشات روی دیوار پوهنتون و دانشگاه ، شاروالی و شهر داری و این که زبان خود را دری بنامیم یا فارسی و یا فارسی دری و یا هم پارتی و یا پارسی نه میگذرد ؛ بل ، چنین مناقشاتی توجه از مسایل حیاتی مذکور را منحرف کرده و در برابر آن سدهای جدیدی خلق میکند.

به باور ما ، مسایل قومی و زبانی و مذهبی اگر هم در آینده در افغانستان مورد بحث قرار گیرند این بحث ها ماهیتاً بحث های اکادمیک و حقوقی- قانونی هستند و در مسیر حرکت به سوی تأسیس ناسیون در افغانستان به تدریج جای مناسب خود را دریافت خواهند کرد. در عین زمان نه میتوان نادیده انگاشت که مسألهٔ جایگاه زبان ها، چی گونه گی رابطهٔ زبان ها و هویت ملی ، چی گونه گی زمینه ها و چهارچوب ها و مسیر شکل گیری فرهنگ ملی و هویت ملی، با سیاست رابطهٔ تنگاتنگ دارند و باید در چهارچوب تعاملات دیموکراتیک راه حل خود را بیابند. در حالی که فاجعه های پیاپی و خونین و وضعیت جاری صلاحیت نسل کنونی نخبه گان - روشنفکران، فرهنگیان ، سیاستمداران و دولتمداران - ما برای پرداختن به همچو مسایل را با پرسش های جدیی مواجه ساخته است، آیا معقول نیست تا ما این ناتوانی های خود را اعتراف کرده ، ریشه های آن را دریافت نموده ، دیدگاه های تنگ نظرانه را ترک کرده و در جستجوی پرداخت تازه بر پایهٔ منافع همه گانی و ارزش های دموکراتیک شویم ؛ واگر قادر به چنین کاری نیستیم حل همچو مسایل را به نسل های بعدی واگذار نماییم؟!

به باور ما برای پایان دادن به مناقشات روی برخی جنبه های مبرم و تأخیرناپذیر مسایل مربوط به زبان ، راه های حلی منطقی وجود دارند. ما باور ها و پیشنهادات خویش را در این زمینه چنین پیشکش مینماییم:

- به باور ما لغات و اصطلاحات به کار رفته در ادبیات کلاسیک صرف نظر از آن که این آثار در کجا و توسط کی ها خلق شده اند ، ثبت و ضبط فرهنگی دارند و شناسنامهٔ بین المللی استفاده در تمام قلمرو زبان دری را داشته و ما هم میتوانیم آن ها را به کار بگیریم ؛ ولو این که تا کنون کار برد آن در کشور ما مروج بوده باشد و یا نه بوده باشد.

- لغات و اصطلاحات مروج در یک منطقه و یا یک لهجه که در ادبیات کلاسیک هم به کار نه رفته اند ، دارای شناسنامهٔ بین المللی نه بوده و لزوم و ضرورتی نه دارد تا ما به جای لغات و اصطلاحات مروج در افغانستان ، یک چنین لغات و اصطلاحاتی را به کار ببریم.

- در مورد لغات و اصطلاحاتی که نظر به رشد علوم و تکنالوژی، تازه ایجاد شده و یا میشوند و همچنان در مورد تثبیت روش واحد املأ و مسایل دیگر، یگانه راه حل معقول همانا همکاری و توافق مراجع ذیربط اکادمیک کشورهای افغانستان ، ایران و تاجیکستان است؛ همان سانی که کشورهای حوزهٔ زبان آلمانی این کار را میکنند . این مسأله یی است که حکومات کشورهای یاد شده باید در مورد آن مشترکاً به توافق رسمی برسند.

- در مورد لغات و اصطلاحاتی که نظر به رشد علوم و تکنالوژی، در یک کشور فارسی زبان دیگر تازه ایجاد شده و یا میشوند و ما هنوز معادلی برای آن نه داریم، الی توافق رسمی قبلاً یاد شده ، نویسنده گان در صورتی که خود را برای افادهٔ مطلب ناگزیر بیابند ، میتوانند از آن ها استفاده کنند .

- زبان موجود زنده است و رشد و تکامل میکند و دچار تحول و دگرگونی میشود. زبان دری و یا فارسی نیز از این قاعده مستثنأ نیست. ولی تصفیهٔ کلمات و اصطلاحات عربی از زبان ما نه ممکن است ، نه ضروری و نه هم مفید. شمار کثیری از لغات و اصطلاحات عربی جذب زبان فارسی شده و تابعیت این زبان را کسب کرده اند و سلب تابعیت از آن ها امکان نه دارد. و امّا ، باز هم کاربرد آن لغات و اصطلاحات دری که ثبت و ضبط فرهنگی دارند ، به جای معادل های ثقیل عربی را نه میتوان کار منفی ارزیابی نمود. به همین سان شماری از لغات و اصطلاحات وارد شده از زبان های دیگر افغانستان و یا زبان های خارجی ، تابعیت زبان دری را کسب کرده اند و نه باید در صدد به راه انداختن کارزار جهت تصفیهٔ آن ها شد.

- کاربرد آن کلمات و اصطلاحات مروج در یک حوزهٔ دیگر زبان که نه ثبت و ضبط فرهنگی دارند ، نه برای مردم ما آشنا استند، و نه هم نیازی برای کاربرد آن ها به دلیل موجودیت معادل دری آشنا و مروج آن ها در افغانستان ، هیچ منطق پذیرفتنیی نه دارد.

- در مورد نام ها و اصطلاحات مندرج در قانون اساسی افغانستان و سایر قوانین کشور، تنها و تنها مراجعی که صلاحیت وارد کردن تغییرات و تعدیلات در این قوانین را دارند، میتوانند تصمیم بگیرند و به باور ما رسانه های افغانی حق این را نه دارند تا هریک به نظر خود مثلاً برای نهادها ، ارگان ها و ادارات دولتی نامی غیر از نام های رسمی آن ها را به کار ببرند.

- به باور ما برای به هنجار ساختن زبان ، پاسخگویی به نیازمندی های ناشی از رشد و تکامل علوم و تکنولوژی و مسایل دیگر حل ناشده در زبان های رسمی کشور و جلوگیری از هجوم بی مورد کلمات بیگانه ، حکومت افغانستان باید برای انکشاف زبان دری نیز نهاد علمی و ادکادمیک دارای امکانات مورد نیاز را ایجاد کند تا به این مسایل بپردازد. در عین زمان به رغم موجودیت به ظاهر مرجع اکادمیک برای رشد و انکشاف زبان پشتو، برگشت سیل مهاجرین از پاکستان و عوامل دیگر سبب شده تا دشواری های تازه یی در برابر رشد و تکامل سالم زبان پشتو ، پدید بیایند که اگر همین حالا برای حل آن ها اقدامات

مؤثری نه شود ، ترس آن وجود دارد تا زبان پشتو در افغانستان نیز به همان بیماری هایی دچار گردد که در ورای دیورند به آن ها مبتلا گردیده است.

- در حالی که شمار واقعی نفوس کشور و نیز شمار و تناسب گوینده گان زبان های رسمی کشور به گونهٔ دقیقی روشن نیست، مناقشات جاری در مورد جایگاه زبان پشتو و دری نه سازنده است و نه هم لازم. در این مورد قانون اساسی احکام روشنی دارد که در مرحلهٔ کنونی نیازی برای وارد کردن تغییر در آن ها وجود نه دارد.

به باور ما با تأمین صلح و پیشرفت در راه باز سازی معاصر افغانستان و رشد و قوام دیموکراسی، امکانات کاملاً تازه یی برای گسترش زمینه ها و شیوه های تعامل دموکراتیک و سازنده جهت رشد و تکامل فرهنگی و قوام هویت معاصر ملی مردم افغانستان نیز پدید خواهند آمد. در مرحلهٔ کنونی کوشش ما باید متوجهٔ نفی جنگ،فرقه گرایی ، استبداد، تحجر ، تندروی ، ایدیولوژی زده گی و تجدد ستیزی باشد؛ در مرحلهٔ کنونی کوشش ما باید روی این امر حیاتی متمرکز باشد تا گفتمان سازنده و نوید بخش فردای بهتر و درهم شکننده علل فکری و فرهنگی دور تسلسل منفی را به راه انداخته و آن را به گفتمان تعیین کننده مبدل نماییم نه این که آب در آسیاب گفتمان های انحرافیی که یکی از منابع تولید انرژی برای تداوم دور و تسلسل منفی به شمار میروند ، بریزیم .

ما ادعا نه داریم که نسخهٔ کامل و بی اشتباهی را برای پایان مناقشات مورد نظر ارایه کرده ایم؛ ما حاضریم نقد سازنده از سوی همفکران و دگراندیشان را با دلچسپی و دقت مطالعه کنیم؛ ولی، ما جداً امیدواریم تا همه روشنفکران ، فرهنگیان و همه عناصر، حلقات و نیروهای هوادار صلح ، دیموکراسی و بازسازی معاصر افغانستان و همه افغان های آگاه و دارای احساس مسؤولیت، در این مرحلهٔ حساس و تعیین کنندهٔ سرنوشت ملی ، توانایی های شان را در راه دفاع از منافع همه گانی ، نیرومند شدن گفتمان های سازنده و تجرید گفتمان های انحرافی و مغایر با منافع همه گانی ، صرف کنند.

+

نشر به حیث فراخوان آسمایی در سپتمبر سال ۲۰۰۶

لینک دریافت کتاب

جلد اول – لطفاً این جا را فشار بدهید

جلد دوم- لطفاً این جا را فشار بدهید

گفتمان
هویت، ملت
و ملتگرایی
در افغانستان